

تحلیل نقش اوضاع زمانه در تفاوت سیره قضایی نبوی و مهدوی

عبدالحسین خسروپناه^۱

محمد زارعی^۲

امیر هادی زاده^۳

چکیده

طبق دیدگاه امامیه پس از رحلت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تبیین و تبلیغ معارف نبوی، یکی از شؤون امامت بوده و بر محوریت سیره و سنت پیامبر تعریف شده است. یکی از مهم‌ترین شؤون و وظایف پیامبر اسلام، اجرای قضاوت طبق ادله ظاهری، مثل استدلال به شاهد و بینه بوده است؛ اما پاره‌ای از روایات شیعه، حاکی از تفاوت و تناقض سیره قضایی آن حضرت با سیره امام مهدی عَجَلُ اللهِ إِلَيْهِ در آخرالزمان است. با توجه به ویژگی‌های خاص حکومت امام مهدی عَجَلُ اللهِ إِلَيْهِ مثل برداشته شدن تقیه و تفاوت اوضاع و اقتضائات زمان، می‌توان با جمع روایات تفاوت سیره قضایی (حکم به ظاهر و حکم به باطن)، در مقام رفع تعارض روایات بر آمد و روش و سیره حضرت مهدی عَجَلُ اللهِ إِلَيْهِ را برگرفته از سیره نبوی دانست. در این پژوهش که با روش «تحلیلی-توصیفی» انجام پذیرفته، سعی شده است، ضمن بررسی معنای سیره و دسته بندی روایات در این زمینه، به بررسی در روایات مرتبط و تبیین درست از دو شیوه حاکمیت و رفع تضادهای مطرح شده در این بین پرداخته شود.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام مهدی عَجَلُ اللهِ إِلَيْهِ، سیره قضایی، تعارض سیره.

-
۱. استاد گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران. khosropanahdezfuli@gmail.com
۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران. (نویسنده مسول) m.zarei1359@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ایلام، ایران. amirhadi341@gmail.com

بیان مسئله

یکی از موضوعات اساسی در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیوه قضاوت آن حضرت است. در باره این شیوه روایاتی از معصومان علیهم السلام نقل شده که هر یک بحث‌هایی را پی گرفته است. یکی از این بحث‌ها در چگونگی قضاوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در شماری از روایات، این شیوه با شیوه قضاوت نبی مکرم اسلام در تعارض است. علاوه بر تضاد ظاهری این روایات با سیره قضایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ضعف سندی برخی از آن‌ها مشکل را دو چندان می‌کند.

این تعارض گاه سبب شده است که برخی به طرد و نفی بی دلیل روایات سیره قضایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام کنند. لذا لازم است برای رفع این تعارض ابتدا به بررسی صحت سندی و دلالی این دسته از روایات پرداخته شود و پس از آن، به دنبال راهکارهای رفع تعارض روایات صحیح السند بود که با توضیح و اشاره به موضوعات مرتبط می‌توان به اختلاف نظر در این زمینه پایان داد.

پیشینه پژوهش

موضوع پژوهش در جوامع احادیث شیعه، مانند کافی، کشف الغمه، وسائل الشیعه، بحار الانوار و مخصوصاً آثار حدیثی که درباره مهدویت نگاشته شده‌اند، مثل الارشاد شیخ مفید، کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق و منتخب الاثر آیت الله صافی؛ به صورت پراکنده در ابواب مختلف مطرح شده که البته بیش‌تر در ضمن احادیث باب «حکم داوودی» بیان گردیده است و در آن‌ها توضیح و تحلیل به ندرت دیده می‌شود؛ اما برخی مقالات با موضوع سیره قضایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شبهات حول تفاوت سیره ایشان با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تالیف گردیده است که عبارتند از:

مقاله دفاع از روایات مهدویت ۲ (داوری بر پایه واقع = داوری داوودی)، نوشته مهدی حسینیان قمی در مجله انتظار موعود (حسینیان قمی، ۱۳۸۴؛ ص ۲۲۷-۲۴۲)؛ مقاله سیره مهدوی و دولت منتظر، نوشته رضا اسفندیاری در مجله مشرق موعود (اسفندیاری، ۱۳۸۸؛ ص ۳۳-۶۲)؛ مقاله امام مهدی احیاگر شریعت، نوشته نصرت‌الله آیتی در مجله مشرق موعود

(آیتی، ۱۳۸۷: ص ۱۱-۳۴)؛ مقاله «تحلیل انتقادی بر ضعف سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس باطن موضوع»، نوشته عبدالحسین خسروپناه و محمد زارعی در مجله انتظار موعود (خسروپناه و زارعی، ۱۳۹۵: ص ۲۱-۴۴)؛ اما شاید بهترین تحقیقی که در این زمینه انجام شده است، مقاله «اعتبارسنجی روایات ناظر به تفاوت سیره مهدوی با سیره نبوی و علوی»، تالیف جواد جعفری و محمد براری در مجله انتظار موعود (جعفری و براری، ۱۳۹۶: ص ۶۹-۸۸) است که با بررسی سندی روایات، به تفاوت در سیره اشاره و نهایتاً برخورد با دشمنان را تنها تفاوت بین سیره مهدوی با نبوی و علوی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر می‌کند.

با توجه به نگارش مقالاتی مثل «اعتبارسنجی روایات ناظر به تفاوت سیره مهدوی با سیره نبوی و علوی» (همان)؛ که به دفاع از شبهه ضعف سندی احادیث قضاوت حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است؛ در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن بررسی معنای سیره و دسته بندی روایات مرتبط با شیوه و سیره قضایی و حاکمیتی پیامبر و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به تبیین درست از دو شیوه حاکمیت و رفع تعارض و تضاد مطرح شده در آن‌ها پرداخته شود.

طرح بحث

«قضاوت» یکی از شؤون امامت و رهبری جامعه است که متکلمان طبق قرآن (مائده: ۴۲ و ۴۸ و آل عمران: ۵۵) و روایات، آن را برای رهبر و امام جامعه ثابت دانسته‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۱۶). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز به عنوان نخستین رهبر جامعه اسلامی به این امر مبادرت داشتند؛ اما سیره آن حضرت در قضاوت که در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته، توجه ویژه به ادله ظاهری می‌باشد. از همین رو، آن حضرت روش قضاوت خود را مبتنی بر قسم و بیینه معرفی می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ص ۴۱۴ و طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۲۲۹) و این سیره با آن چه در مورد قضاوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران ظهور نقل شده، بسیار متفاوت است؛ زیرا روایاتی که در مورد قضاوت آن حضرت نقل شده، بر چند گونه‌اند:

الف) دسته‌ای از روایات شیوه قضاوت آن حضرت را قضاوتی جدید معرفی کرده و از بیان جزئیات آن خودداری کرده است: «يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۳؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ص ۲۷۴ و حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ص ۱۶۲).



ب) دسته دیگری از روایات قضاوت آن حضرت را بر مبنای کتاب‌های آسمانی معرفی کرده به گونه‌ای که بر پیروان هر آیینی با کتاب آسمانی همان گروه حکم می‌کند. با تورات بر یهودیان، با انجیل بر مسیحیان و با زبور بر پیروان اهل زبور قضاوت می‌کند:

ثُمَّ قَالَ إِذَا قَامَ قَوْمٌ أَهْلُ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ عَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ... يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ وَ... فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ وَ يَنْزِلُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا وَ شَرًّا (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۷-۲۳۸؛ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۶۱ و فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ص ۲۷۵).

ج) دسته دیگری از روایات قضاوت آن حضرت را همانند قضاوت داوود یا سلیمان نبی معرفی کرده‌اند که در آن‌ها عبارت: «وَلَا يُرِيدُ بَيِّنَةً» قید شده است (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۵۹ و ۵۱۰؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۱۵ و مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۸۴) که البته عدم درخواست بینه به معنای عدم توجه به بینه نیست.

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان گفت سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در قضاوت بسیار متفاوت از سیره پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله است و این تفاوت در حقیقت آشکار کردن تعارض میان دو دسته از روایات است: نخست روایاتی که در صدد تبیین تبعیت مطلق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از سیره پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله است^۱ و دسته دوم، روایاتی که سیره پیامبر صلى الله عليه وآله در قضاوت را مبتنی بر ظواهر اعلام می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷ ص ۴۱۴ و طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۲۲۹).

نویسنده مقاله «بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالم‌تاب»، برای حل تعارض ظاهری روایات و ثبات ادعای خود در رد احادیث حکم داودی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و دروغ بودن این‌گونه احادیث، به سخنان مرحوم طبرسی، آیت الله صافی، آیت الله شیرازی، مرحوم صدر و علامه مجلسی در عدم پذیرش این‌گونه روایات استناد کرده است و می‌نویسد:

این‌ها چند نمونه بود از یک فرد مجهول الهویه، که احادیثی جعل کرده و بدون ذکر

۱. مانند آن چه که از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشريف در مورد سیره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف سؤال شد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۷۷)؛ یا روایتی دیگر که آن حضرت می‌فرماید: «در زمان ظهور شما حکمت عطا می‌شود، تا جایی که زن‌ها در خانه‌های خود براساس قرآن و سنت پیامبر خدا داوری می‌کنند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۹).

سند (به صورت مرسل) به معصومان عليهم السلام نسبت داده است. برخی برای حل این تعارض ظاهری، شیوه قضاوت داوودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در زمان ظهور را منکر شده و احادیث در این زمینه را جعلی و دروغ خوانده‌اند (مهدی پور، ۱۳۸۳: ص ۸۹-۱۳۰).

۱. مفهوم شناسی

سیره بر وزن «فِعْلَةٌ» و از ماده «س، ی، ر» ساخته شده که به معنای رفتن، حرکت در زمین در روز یا شب، حرکت کردن، گذشتن و عبور کردن می‌باشد (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۲۸۷ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۲۸۳). لغت شناسان علاوه بر معانی مذکور معنایی فراتر از حرکت و جابه‌جایی فیزیکی برای این واژه مطرح کرده‌اند که عبارت است از روش، طریقه و سنت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۸۹-۳۹۰). به نظر می‌رسد این دگرگونی معنایی برگرفته از ساختار وزن «فِعْلَةٌ» می‌باشد؛ چرا که به اتفاق نحویون و لغت شناسان، وزن «فِعْلَةٌ» مصدر نوعی است که بیانگر هیئت و حالت خاص فاعل هنگام انجام دادن آن فعل است، از همین رو، بر نوع و سبک رفتاری دلالت دارد (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۳۴۰ و ابن فارس، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۶۱).

این واژه در اصطلاح به رفتاری اطلاق می‌شود که از روش و سبک ویژه‌ای برخوردار باشد (مطهری، ۱۳۹۳: ص ۵۳). نکته مهم در اصطلاح سیره، استمرار روش عملی است، علامه طبرسی در مجمع البیان استمرار را جزو ماهیت سیره می‌داند (طبرسی، ۱۳۸۳: ج ۸، ص ۸۳۲). بنابراین، سیره اخص از فعل محسوب می‌شود و تنها افعالی را شامل می‌شود که مستمرا توسط شخص تکرار شوند.

لغت شناسان عرب میان واژه «سنت» و «سیره» تفاوت معنایی نگذاشته و هر دو را مترادف می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۳۸۹ و جوهری، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۲۱۳۹)؛ که می‌توان گفت نقطه اشتراک این دو واژه انجام دادن فعل به آسانی و جریان داشتن آن است. ابن فارس در توضیح لغوی سنت می‌نویسد: «السین و التون أصل واحد مطرد، و هو جریان الشيء و إطراده في سهولة» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۶۰)؛ که در این تعریف، به خوبی سنت را یک جریان معرفی می‌کند. وی در تعریف «سیره» می‌نویسد: «السین و الیاء و الرءاء أصل يدل على مضی و جریان» (همان، ص ۱۲۰). بنابراین، جریان یک فعل است که باعث می‌شود در لغت عربی آن را سیره یا



سنت بخوانند.

اما در اصطلاح علوم اسلامی، واژه سنت تفاوت‌های دیگری فراتر از معنای لغوی به خود می‌گیرد. در اصطلاح محدثان این واژه به معنای قول، فعل یا تقریر معصومان است (مظفر، بی‌تا: ج ۳، ص ۶۱) و چون قول، فعل یا تقریر معصومان حجت است، این واژه در برابر معنای «بدعت» می‌باشد. در اصطلاح فقها، به معنای امر مستحب نیز به کار رفته که در این صورت در برابر «واجب» قرار می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۶۳۸). معنای دیگری که در اصطلاح فقها به کار می‌رود و ریشه روایی دارد، این است که سنت را به معنای واجبات از جانب پیامبر (فرض النبی) معنا می‌کنند. این معنا از سنت در مقابل واجبات از جانب خداوند (فرض الله) است، مانند آن که در برخی روایات غسل میت، سنت محسوب می‌شود (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۸۲)؛ در حالی که فقها به اجماع غسل میت را واجب می‌دانند (موسوی روضاتی، ۱۴۳۲: ج ۲، ص ۱۳۷). این واژه در اصطلاح علم تاریخ نیز به معنای شرح حال و تاریخ زندگی و فعالیت‌های شخص در طول حیاتش است (غوری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۲۳۸)؛ که به واژه سیره نزدیک می‌باشد. بنابراین، باید گفت: سنت در معنای مصطلح بر معانی بسیاری دلالت دارد، به گونه‌ای که رابطه آن با سیره از نوع «عموم و خصوص مطلق» است؛ بدین معنا که هر سیره‌ای سنت محسوب می‌شود؛ اما هر سنتی سیره نیست؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، سیره فعلی است که مستمرا تکرار شود؛ اما این تکرار در سنت شرط نیست و همان‌گونه که از اصطلاح محدثان مشخص شد صرف یک بار انجام دادن فعل از طرف معصوم، می‌توان آن را «سنت» نامید، اما معنای «سیره» بر آن صدق نمی‌کند.

۲. پیروی ائمه معصومین از سیره پیامبر ﷺ

ائمه شیعه علاوه بر این که به اجرای اوامر و ترک منهیات رسول خدا ﷺ پایبند بودند و بر ثابت بودن حلال و حرام‌های آورده شده از جانب پیامبر ﷺ تأکید می‌کردند و آن را تا روز قیامت غیر قابل تغییر می‌دانستند (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۴۸ و کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۸)؛ بر اجرای سیره و سلوک رفتاری آن حضرت تأکید خاصی داشتند. امام علی علیه السلام هنگام مطرح شدن پیشنهاد خلافت از طرف عبدالرحمن بن عوف در شورای بعد از مرگ خلیفه دوم، خود را به

تحقق سیره پیامبر ملزم دانسته و سیره شیخین را نمی‌پذیرد (مقدسی، بی‌تا: ج ۵، ص ۲۰۲ و ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۹۴). ایشان نه تنها در امور حاکمیتی بر سیره پیامبر ﷺ اصرار داشتند، بلکه در جزئیات روزمره زندگی شخصی نیز در اجرای رفتار هماهنگ با سیره رسول خدا سعی داشت، تا جایی که طبق برخی روایات، خود را از خوردن فالوده بازداشت، تنها به این دلیل که رسول خدا در زمان حیاتش از آن نخورده بود (برقی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۴۱۰ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۳، ص ۳۲۳). بنابر این تأکید بر اجرای سیره رسول خدا ﷺ و ایجاد مشابهت آن قدر عمیق است که به کوچک‌ترین کارهای ائمه معصوم سرایت کرده است.

این تأکید بر اجرای سیره رسول خدا ﷺ در رفتار ائمه بعدی نیز مشهود بود. امام حسین ﷺ نیز یکی از اهداف نهضت خود را تحقق سیره پیامبر اسلام معرفی کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۴، ص ۳۲۹). امام باقر ﷺ در پاسخ به پرسش راوی از نحوه عملکرد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیره ایشان را همان سیره رسول خدا ﷺ معرفی می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ص ۷۷). امام صادق ﷺ نیز درباره عمل به سیره رسول خدا ﷺ فرمودند: برای من خوشایند نیست که مسلمانی بمیرد، در حالی که برخی از آداب و خصلت‌های پیامبر ﷺ را انجام نداده باشد (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۴۴ و صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۴۶۶). همه این تأکیدها نشان می‌دهد که توجه به سیره پیامبر اکرم توسط ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف امری فراتر از اوامر و نواهی ایشان است و امامان شیعه نه تنها خود در تطبیق سیره پیامبر ﷺ با زندگی خود تلاش می‌کردند، بلکه پیروان خود را به این امر تشویق می‌فرمودند تا پیروان، با آن حضرت تشابه شخصیتی پیدا کنند.

تحلیل محتوایی و بررسی دلالتی روایات

فارغ از بحث رجالی و بررسی راویان، برای پی بردن به صحت صدور روایاتی که حکم داوودی را برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ثابت می‌کند (خسروپناه و زارعی، ۱۳۹۵: ص ۲۱-۲۴)؛ در تحلیل دلالتی روایات و برای برطرف کردن تعارض بدوی و فهم بهتر فضای صدور روایات، می‌توان از نگاه‌های مختلف به این امر نگاه کرد که عبارتند از:



۱. مقایسه سیره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در امور حاکمیتی با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

روایاتی که به مقایسه سیره حاکمیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازند، گستردگی فراوانی دارند و از الفاظ مختلفی استفاده کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته قرار داد:

الف) دسته اول: روایاتی هستند که سیره آن حضرت را همان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌کنند. در این روایات از عباراتی مانند «يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ» استفاده شده است، بدون آن که استثنایی مطرح شود (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۱۵۴ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۵۲، ۳۵۴ و ۳۸۱) که این امر نشانه «مثلیت» سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در امر حکومت‌داری و لوازم آن (قضاوت و...) است. نکته قابل توجه این که در این روایات مقایسه بین فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فعل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام شده که با دسته بعدی از روایات تفاوت ماهوی دارد.

ب) دسته دوم: روایاتی هستند که سنت آن حضرت را همانند سنت رسول خدا معرفی می‌کند. در این روایات از عباراتی مانند «و سُنَّتُهُ سُنَّتِي» استفاده شده است (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۴۱۱)؛ که نشانه این همانی میان دو سنت می‌باشد. برای تحلیل تفاوت میان روایات دسته اول و دوم نگاه به مفهوم سیره و سنت لازم است؛ چرا که در این دسته از روایات آنچه که مورد توجه قرار گرفته و مقایسه شده است، دو سنت است، نه سیره. که با این نگاه می‌توان گفت روایات دسته دوم نگاهی فراتر به مقایسه اعمال و رفتار آخرین پیامبر خدا و آخرین وصی او دارد.

ج) دسته سوم: روایاتی که سیره آن حضرت را با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام متفاوت معرفی می‌کند. در این گروه از روایات همیشه علت تفاوت سیره نیز نقل شده است؛ مثلاً در روایتی از زراره بن أعین نقل شده است که وی از امام باقر علیه السلام درباره سیره آن حضرت می‌پرسد و حضرت در جواب می‌فرماید:

«هِيَ هَاتِ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةُ مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ» سپس در ادامه، علت تفاوت را چنین نقل می‌کند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْلِ كَمَا يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَلِكَ أَمْرٍ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَلَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَيُلْ مِنْ تَأْوَاهُ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۱).

یا در حدیث دیگری چنین آمده است:

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ بَيَّاعِ الْأَنْمَاطِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا فَسَأَلَهُ الْمُعَلَّى بْنُ حُنَيْسٍ أَيْ سِيرُ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ نَعَمْ وَذَلِكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنِّ وَالْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شَيْعَتَهُ سَيُظْهِرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَالسَّبِيِّ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شَيْعَتَهُ لَمْ يُظْهِرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا (همان، ص ۲۳۲).

نکته قابل توجه در این دسته روایات، همان ذکر علت اختلاف سیره است. به عبارت دیگر، می توان گفت، پیش فرض اولیه، شباهت و این همانی دو سیره است؛ اما زمانی که سخن از تفاوت می شود، نیازمند توضیحی است که در بسیاری از روایات این توضیح نشانگر تفاوت شرایط عصر و زمانه حاکمیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى می باشد.

د) دسته چهارم: روایاتی که از هماهنگی سیره آن حضرت با پیامبر اسلام سخن می گوید و تنها یک امر استثناء شده که از آن به «إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ» تعبیر شده است؛ مثلاً در یک روایت آمده است: «إِذَا قَامَ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ» (نعمانی، همان، ص ۱۶۴ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۴۷). در این روایات علاوه بر تأکید مشابهت سیره امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تنها نقطه تفاوت، نقش تبیینی و تبلیغی امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى است، که البته مصداق بارز تبیین بازگشت به اصل دین اسلام است که با مرور زمان مردم از آن فاصله گرفته و برخی احکام آن ضایع گشته است و به وسیله امام تجدید می شود.

دسته چهارم، علاوه بر این که تفاوت دو سیره را در تبیین آثار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می داند، به نوعی وجه جمع روایات محسوب می شود؛ زیرا این حد از اختلاف سیره به خاطر اختلاف شرایط زمانی نه تنها بین حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وجود دارد، بلکه دیگر امامان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و می توان شرایط متفاوتی برای آن ها در این میان دید. فراتر از آن، در تاریخ زندگانی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز به خاطر شرایط زمانی و رخدادهای متفاوت، رفتارهای به ظاهر متعارضی از آن حضرت دیده می شود؛ مثلاً رفتار آن حضرت قبل از نزول آیات جهاد و پس از آن، سیره ایشان در دوران تقیه و بعد از آن، برخورد متفاوت ایشان در زمانی که مسلمانان انگشت شمار بودند و زمانی که در اوج اقتدار بودند، این رفتار دارای تفاوت هایی است که به اقتضای شرایط خاص زمان، عمل شده است. بنابراین، می توان گفت یکی از علل تفاوت سیره



حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همین اقتضائات زمانی خاص ریشه داشته باشد.

۲. طبق برخی روایات یکی از مواردی که باعث تفاوت سیره است، برداشته شدن «تقیه» در دوران ظهور است، چون پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به آن امر شده بودند؛ اما برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف این حکم ساقط می‌شود؛^۱ آن چنان که صاحب جواهر نیز در بعضی احکام، آن را محتمل دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۲۱، ص ۳۳۵). علامه مجلسی در *مرآة العقول* می‌نویسد:

و این اختلاف در سیره اهل بیت علیهم السلام از قبیل نسخ نیست تا کسی اشکال کند که بعد از پیامبر نسخی نیست، بلکه یا به اعتبار تقیه در برخی موارد است و یا به جهت اختلاف اوضاع و احوال در زمان‌ها است؛ چون ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امامی را به حکم کردن به واقع امر کرده باشد به شرطی که سبب تفرقه مردم و بازگشت آن‌ها از حق نشود و اگر سبب این‌ها شود [عمل امام طبق] حکم به ظاهر باشد (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۰۱).

صدر الدین صدر لازمه اجرایی شدن حکم به واقع را برداشته شدن تقیه می‌داند که بیعت هیچ کس بر عهده حضرت نباشد^۲ که این امر در زمان معصومان علیهم السلام محقق نشده است (صدر، ۱۴۲۸: ص ۱۱۷).

۳. تمام رفتارهای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، به خصوص قضاوت و جنگ که لازمه اجرای عدالت جهانی حضرت است، طبق سنت پیامبر و بر مبنای الهام الاهی می‌باشد، همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدان اشاره فرموده‌اند: «هُوَ رَجُلٌ مِنْ عَتَرَتِي يُقَاتِلُ عَلَي سُنَّتِي كَمَا قَاتَلْتُ أَنَا عَلَي الْوَحْيِ؛ او مردی از عترت من است، برای اقامه سنت من می‌جنگد هم چنان که من به خاطر وحی جهاد کردم» (ابن طاووس، ۱۳۹۸: ص ۸۵). علامه مجلسی در این زمینه می‌نویسد:

«أنه علیه السلام أمر بأمير الله سبحانه كل إمام بحكم يخصصه كما مر في خبر الصحيفة النازلة من السماء...؛ امام علیه السلام به امری که خداوند مخصوص به وی کرده دستور می‌دهد آن چنان که در

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أُمِرْتُ بِالتَّقِيَّةِ فَسَارَ بِهَا عَشْرًا حَتَّى أُمِرَ أَنْ يَضِدَّعَ بِمَا أُمِرَ وَأُمِرَ بِهَا عَلَيَّ علیه السلام فَسَارَ بِهَا حَتَّى أُمِرَ أَنْ يَضِدَّعَ بِهَا ثُمَّ أُمِرَ الْأَيْمَةُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَسَارُوا بِهَا فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَّةُ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۴، ص ۴۷).

۲. «والمهدى المنتظر إذا ظهر لا بد... والتقية تنافي ذلك، ولزام هذا أن لا تكون لأحد في عنقه بيعة، فلا بد أن لا يضطر إلى عقد معاهدة توجب عليه العمل بالتقية، وهذا لا يتم إلا بعد تمامية الأسباب العادية لنصرته.»

روایت «صحیفه نازله از آسمان بدان اشاره شد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۳۰).

علامه کورانی نیز ضمن اشاره به قضاوت‌های برخی پیامبران الهی، به شباهت نحوه اجرای حکم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قضاوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌کند و بیان می‌دارد:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس واقعیت امر قضاوت می‌کند و به دلیل نیازی ندارد و یاران او که نمی‌توانند حکم واقعیت را تحمل کنند باید سیصد و سیزده نفر باشند. کار او آموزشی برای مردم برای پذیرش قضاوت او در واقعیت است (همان‌گونه که پیامبران امر شدند که طبق بینات و سوگند قضاوت کنند، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امر شده‌اند که طبق حکم واقعی قضاوت کنند) (کورانی، ۱۴۳۰: ص ۳۵۲).

۴. وجه جمع قابل توجه دیگری که می‌توان طبق روایات به آن اشاره کرد، این است که می‌دانیم برنامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و رفتارش، ترویج و بسط اسلام و تجدید عظمت قرآن است (ابن مشهدی ص ۵۷۹) و به منظور اجرای سنت‌های پیغمبر مقاتله خواهد کرد. بنابراین، تحلیل کلی که با توجه به روایات مذکور می‌توان ارائه کرد این است که در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام طبق میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود. بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌شود که گویا اصلا از اسلام نبوده است. وقتی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرد بدعت‌ها را ابطال می‌کند و احکام خدا را به همان گونه که صادر شده‌اند، ظاهر و حدود اسلامی را بدون سهل‌انگاری اجرا می‌کند و معلوم است که چنین برنامه‌ای کاملاً برای مردم تازگی دارد.

مؤید دیگری که نشانگر ایجاد انحراف در دین و اصلاح آن توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، روایت فضیل بن یسار است که می‌گوید: از حضرت باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف شنیدم که می‌فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْحُشْبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ؛ وقتی قائم ما قیام کرد از ناحیه مردم، با مشکلات و سختی‌هایی مواجه می‌شود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جانب مردم عصر جاهلیت، به آن مقدار مواجه نشده بود. من عرض کردم: چه طور؟ حضرت فرمود: هنگامی که پیغمبر مبعوث شد مردم سنگ و چوب را پرستش می‌کردند؛ اما قائم ما وقتی قیام کند مردم



احکام خدا را بر ضد وی تأویل و تفسیر می‌کنند و به وسیله قرآن با وی احتجاج و
مخاصمه می‌کند (امینی، ۱۳۸۰: ص ۳۲۴-۳۲۵).

آیت الله مکارم نیز در این زمینه می‌گوید:

[حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] همان اسلام راستین عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را تجدید
می‌کند. یکی از رسالت‌های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیراستن اسلام از همین وصله‌ها و پیرایه‌ها و
به تعبیر دیگر نوسازی و تجدید بنای کاخ شکوهمند آن است... توحید اصیل اسلام را از
هر گونه آلودگی به شرك‌رهایی می‌بخشد و مفاهیم مسخ شده و واژگون شده را به
صورت صحیح تفسیر می‌کند... مجموع این نوسازی و بازسازی آنچنان زیاد و
دگرگون‌کننده است که در پاره‌ای از روایات اسلامی از آن به «دین جدید» تعبیر شده
است... روشن است که تازگی این برنامه‌ها و روش‌ها و داوری‌ها، نه به خاطر آن است
که مذهب جدیدی با خود می‌آورد، بلکه آنچنان اسلام را از میان انبوه خرافات، و
تحریف‌ها، و تفسیرهای نادرست و تلقی‌های غلط بیرون می‌آورد که بنایی کاملاً نو و
جدید جلوه می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص ۲۷۹-۲۸۵).

نتیجه این‌که به دلیل بدعت‌ها و تحریف‌ها و روش‌های غلطی که قبل از ظهور توسط
حاکمان و افراد مختلف در دین اسلام وارد شده است، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش می‌کند با تبیین
و روشنگری نوعی پاکسازی و اصلاحات را انجام دهد؛ در حالی که مردم می‌پندارند مکتب
جدید، روش جدید و قضاوت جدیدی به جز اسلام آمده است. پس سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
همان سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام است. این همان مطلبی است که آیت الله
العظمی خویی آن را تصور مردم به عنوان دین جدید می‌نامد (خویی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۷۱).

۵. طبق بسیاری از روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران ظهور همانند آل داود قضاوت
می‌کند (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۸۶)؛ اما این به معنای تعطیل کردن قضاوت به ظاهر نیست؛
زیرا طبق روایات دیگر، که می‌توان به عنوان مخصّص روایات قضاوت به شیوه آل داود، به آنان
نگریست، حضرت در مواردی از نوع قضاوت داوودی استفاده می‌کند که تحمل مردم و

۱. در روایات اسلامی تعبیر «امر جدید»، «کتاب جدید»، «قضاء جدید» آمده و به دین جدید تصریح نشده است (نعمانی،
۱۳۹۷: ص ۲۳۳).

اصحابش نسبت به این امر باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۵، ص ۲۱۵). از همین رو، در روایات عبارت «یقضی قضاء محمد» نیز ذکر شده است (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۸۶ و جزایری، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۲۰۹). بنابراین، شیوه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قضاوت، جمع دو روش قضایی حکم به ظاهر (طبق سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) بر مبنای صدور حکم با بینه و سوگند و حکم به باطن (بدون طلب بینه و سوگند) و در کنار روش‌های دیگر خواهد بود؛ چنانچه ملاصالح مازندرانی اجرای حکم به باطن بدون نیاز به شاهد و بینه را به صورت دائمی و همیشگی نمی‌داند، بلکه در کنار روش‌های دیگر بر می‌شمرد (مازندرانی، ۱۳۸۲: ج ۶، ص ۳۹۵).

از این رو، استفاده امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از شیوه داوود نبی علیه السلام (حکم بدون بینه و شاهد) عادی خواهد شد. این، نه به آن معناست که آن حضرت در همه دعاوی از آن شیوه استفاده می‌کند، بلکه به این معناست که در مواردی آن شیوه را بر می‌گیرد و این در زمانی است که قوانین کلی قضایی به صدور حکم واقعی نینجامد. به همین دلیل، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بین قضاوت داوود (حکم بدون بینه و شاهد) و قضاوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جمع می‌کند و از آن رو که می‌دانیم شیوه قضایی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (صدور حکم با بینه و سوگند) در بیش‌تر موارد مطابق واقع است و کم‌تر پیش می‌آید که با آن مخالف باشد؛ در می‌یابیم که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در بیش‌تر موارد از شیوه قضایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بهره می‌گیرد تا روش قضایی داوود نبی علیه السلام. ولی به هر رو، آن حضرت حکم واقعی را بیان خواهد فرمود (صدر، ۱۴۲۸: ص ۴۹۴).

۶. حتی اگر معتقد باشیم سنت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تفاوت دارد، هیچ اشکالی رخ نمی‌دهد و معذوریتی وجود ندارد؛ چرا که تفاوت سنت‌ها نه به نسخ منجر می‌شود و نه انکار ختم نبوت است. همان‌گونه که خضاب کردن محاسن در زمان پیامبر اسلام انجام می‌شد و مورد تأکید آن حضرت بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۲۳۳) و در زمان امام علی بن ابی طالب علیه السلام از تأکید آن کاسته شد و مردم در آن متخیر شدند (سید رضی، ۱۴۱۴: ص ۴۷۱). بنابراین، این اندازه از تفاوت در سنت، در واقع به فرمایش‌های آن حضرت مستند است و از این رو با سنت آن حضرت - سنت به معنای قول، فعل و تقریر - کاملاً انطباق دارد و از چارچوب سنت نبوی خارج نیست و به همین دلیل، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه شریعت اسلام را نسخ خواهد کرد و نه پیامبری جدید خواهد بود و نه دین جدیدی به انسان‌ها عرضه خواهد کرد (آیتی،



زمستان ۱۳۸۶: ص ۲۹-۵۶).

۷. یکی از پاسخ‌هایی که به اشکال روایات تفاوت سیره می‌توان ارائه کرد، این است: شاید مفهوم ظاهری این روایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من در میان جامعه، بر اساس دلایل و شواهد و سوگندها، قضاوت و داوری می‌کنم، نه بر اساس وحی و رسالت»؛ عدم قضاوت ایشان بر اساس آگاهی و علم شخصی باشد؛ زیرا در صورت عمل به این شیوه، باعث می‌شد رفتار و عملکرد قضایی او در میان امت سیره و سنت شود و در نتیجه برای هر قاضی یا حاکمی دستاویز و بهانه‌ای می‌گشت که در جامعه، بدون دلایل و مدارک قانع‌کننده به هر کس دلش خواست حدّ جاری کند و طبق تمایلات خویش حکم راند و آن‌گاه ادّعا کند که به علم و اطلاع شخصی خویش قضاوت کرده است و با این کار نظام دین و جامعه از هم گسیخته و هرج و مرج و خودکامگی در سیستم قضایی رواج یافته و معیارها و مقیاس‌های فقهی و حقوقی و عرفی دچار اختلال گردد و این روش در میان غیر معصوم سنت و باب شود (قزوینی، ۱۴۲۷: ص ۵۸۳-۵۸۴).

اما در مورد امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى، به‌عنوان مجری عدالت جهانی و کسی که بعد از او غیر معصومی حاکم نخواهد بود، شیوه قضایی، حکم به باطن و بدون طلب بینة و شاهد یا طبق علم شخصی خواهد بود؛ همان‌گونه که شواهد و روایات فراوانی برآن دلالت دارد که در آن، از عبارت «قضی بین الناس بعلمه» استفاده شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۳۱ و راوندی ۱۴۰۷: ص ۲۰۹).

۸. به فعلیت رسیدن بعضی احکام در دوره ظهور:

برخی قائلند احکامی به حسب واقع وجود دارد که مورد نظر خداوند بوده و برای رشد و سعادت فرد و جامعه به آن‌ها نیاز است؛ لکن به خاطر وجود موانع، تا زمان ظهور، به مرحله فعلیت نرسیده است؛ اما با ظهور آن حضرت چنین احکامی از مرحله انشا خارج شده و لباس فعلیت می‌پوشد (خمینی، ۱۳۷۹: ص ۴۷۴ و خویی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۷۱). آقا ضیاء عراقی در این باره می‌نویسد:

شاید بسیاری از احکام هنوز در مرتبه انشا باشند و به مرحله فعلیت نرسیده باشند تا این‌که حضرت حجت عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى ظهور کند (عراقی، ۱۳۶۴: ج ۱ و ۲، ص ۳۷۸).

۹. حکم به واقع و داوری داوودی، حکم اولی اسلام است (یعنی باید بر پایه واقع داوری شود و حکم واقعی بازگو گردد)؛ ولی از آنجا که قاضیان علم به واقع ندارند و شاید در بسیاری از موارد علمشان در حقیقت جهل باشد و مردم نیز تحمّل حکم به واقع را ندارند و داوری داوودی برای بسیاری از مردم غیر قابل تحمّل است؛ از حکم به واقع چشم‌پوشی می‌شود و حکم به بینه و قسم، به عنوان روش قضاوت کردن معین می‌گردد؛ یعنی همان روشی که پیامبر خدا ﷺ «انما اقضی بینکم بالبینات والایمان» برگزیدند. برخی (حسینیان قمی، ۱۳۸۴: ص ۱۵)، برای اثبات این مدعا به دیدگاه فقهایی مثل علامه مجلسی و صاحب جواهر استناد کرده‌اند. به عنوان نمونه مجلسی ضمن بیان آگاهی و علم امام معصوم به واقع بیان می‌دارد: گرچه داوری به واقع بر آنان واجب نیست مگر در زمان حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام آن گونه که اخبار متواتر آمده است که وقتی حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام ظهور می‌کند، مانند آل داوود قضاوت می‌کند و بینه نمی‌طلبد (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۵۹).

صاحب جواهر نیز در این باره می‌نویسد:

لاخلاف بیننا معتدّ به فی أنّ (الامام عَلَيْهِ السَّلَام یقضی بعلمه مطلقاً) فی حقّ الله و حقّ الناس...؛ میان ما [=امامیه] اختلاف قابل توجهی در این که امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌تواند بر پایه علمش همه جا چه در حق الله و چه در حق الناس داوری کند، وجود ندارد، بلکه آن گونه که از کتاب انتصار، غنیه، ایضاح، نهج الحق و دیگر آثار نقل شده، این فتوا جماعی است و همین اجماع حجّت ما [در این فتوا] است...

که ایشان برای فتوای خود به آیه «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶) و روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۷، ص ۲۶۲) استناد می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۰، ص ۸۶).

بنابراین، جواز داوری به واقع در صورتی که قاضی چون امام معصوم از واقع با خبر باشد، هیچ ایرادی ندارد و اگر قضاوت طبق واقع صورت نمی‌گیرد به دلیل عدم تحمّل مردم و عدم علم قاضی به واقع است؛ وگرنه، قضاوت به واقع جایز است آن گونه که در کلام محقق، صاحب شرایع و در کلام شارح شرایع، مرحوم صاحب جواهر دیده شد (حسینیان قمی، ۱۳۸۴: ص ۱۵).

۱۰. علت این که در بعضی روایات گفته شده است حضرت مهدی، هم‌چون داوود و سلیمان



بدون بینة قضاوت می‌کند و یا به علم خود عمل می‌کند، شاید این باشد که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر گستردگی و مسخر شدن عوامل طبیعی و اجتماعی و امدادهای الهی و غیبی برای او، به حکومت داوود ع و سلیمان ع مشابهت بسیاری دارد؛ همان‌طور که عوامل طبیعی و انسانی و نیز غیرطبیعی در بین پیامبران، بیش از همه در اختیار این دو پیامبر قرار گرفت (منتظری، ۱۳۸۴: ص ۱۸۴)؛ چنان که در قرآن کریم به این امر اشاره شده است؛ چنان‌که خداوند بادها را تحت فرمان حضرت سلیمان قرار داد و جنیان برای او کارگری می‌کردند و... (ص: ۳۶) و در برخی روایات نیز تصریح شده که خداوند باد را به تسخیر آن حضرت در می‌آورد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۶). این امر خود نشانگر آن است که شباهت‌هایی از این دست در قضاوت آن حضرت نیز باشد.

۱۱. اشاره به تفاوت سیره در متن روایات :

با وجود احادیث معتبر و متعدد و شواهد دلالتی فراوان و همچنین وجود توجیه مناسب مضمونی برای تفاوت سیره به دلیل ویژگی خاص حکومت جهانی و عدالت گستر حضرت، به‌رغم خدشه در سند برخی روایات سیره حضرت (مهدی‌پور، ۱۳۸۳: ص ۸۹-۱۳۰)؛ جایی برای انکار کلی اختلاف سیره آن حضرت از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام وجود ندارد. برای مثال روایاتی که به وضوح تفاوت سیره را نشان می‌دهد عبارتند از:

- «يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا؛ [پس از ریشه‌کن ساختن بدعت‌ها]، اسلام را از نو تحقق می‌بخشد (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۱).

- «إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با برنامه [حکومتی] نو، سنتی جدید و قضاوتی تازه، قیام می‌کند» (همان، ص ۲۵۵).

واضح است که منظور از کتاب و سنت جدید، اختلاف کتاب و سنت نیست، بلکه زدودن و از بین بردن تحریف‌ها و بدعت‌هایی است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد دین اسلام شده است. در تایید این مطلب می‌توان به روایت ذیل اشاره کرد:

یکی از دوستان امام صادق علیه السلام به نام «عبدالله بن عطا» می‌گوید:

از امام پرسیدم: روش و سیره مهدی علیه السلام چگونه است؟

امام در پاسخ فرمود: «يصنع ما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

امر الجاهلیّة و یستأنف الاسلام جدیداً؛ همان کاری را که رسول خدا انجام داد، انجام می‌دهد؛ برنامه‌های [نادرست] پیشین را ویران می‌کند؛ همان گونه که رسول خدا اعمال جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را نوسازی می‌کند (همان، ص ۲۳۱).

۱۲. برخی روایاتی مثل «انما اقضي...، انا نحکم بالظاهر و...» را دلالت بر حصر بینه و قسم نمی‌دانند؛ حصر در این روایات حصرحقیقی نیست، بلکه حصر اضافی است؛ یعنی زمانی که قاضی به علم دسترسی ندارد از میان ظنون فقط شهادت و سوگند (ادله قانونی) می‌تواند مدرک قضاوت قرار بگیرد؛ چون ممکن است علاوه بر آن‌ها گاهی با اقرار ثابت می‌شود و گاهی هم با علم قاضی. پس تنها سبب فصل خصومت یمین و بینه نیست و منظور از بینه در اصطلاح، مطلق حجت و دلیل می‌باشد؛ چرا که حجت دلیل آشکارکننده و فیصله دهنده حق است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ج ۳، ص ۵۸)؛ همان طور که برخی بینه در کلام خدا و رسول و اصحاب پیغمبر را از معنای اصطلاحی فقها (یعنی اختصاص به شهادت دو نفر عادل یا شهادت یک نفر به انضمام یمین) فراتر دانسته‌اند (ابن القیم جوزیه، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۹۰).

بنابر این، باید گفت که قاضی می‌تواند به علم خود که از هر منشا متعارف و به هر کیفیت که به دست آورده باشد، قضاوت کند و این قاعده فقط یک استثنا دارد و آن در موارد حدود الاهی است که قاضی در این موارد نمی‌تواند به علم خود عمل کند، بلکه موظف است طبق ادله قانونی حکم کند (محمودی دشتی، ۱۳۷۳: ص ۲۰ و آشتیانی، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳).



نتیجه گیری

یکی از اشکالات وارد به مباحث مهدویت در منابع شیعی، در مورد روایاتی است که بیانگر تفاوت سیره قضایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد؛ چرا که در ظاهر این روایات، تفاوت‌هایی مشاهده می‌گردد و وجود این تفاوت، باعث ایجاد تشکیک و ادعای تعارض روایی برای احادیث قضایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردیده است؛ اما با مراجعه به روایات این باب و تدقیق در آن‌ها، عدم تناقض و هماهنگی و تبعیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سیره و روش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دیده می‌شود؛ به طوری که اگر پیامبر و یا هر کدام از معصومان ع علیهم السلام نیز در موقعیت آن مصلح آخر الزمان قرار بگیرند، به همان گونه عمل می‌کنند.

وجود روایات بیانگر تفاوت سیره، برداشته شدن تقیه بعد از ظهور، عمل کردن امامان طبق الهام و دستور الهی، تفاوت شرایط و اقتضائات زمان، امکان جمع روایات تفاوت سیره با عمل کردن به هر دو شیوه قضایی (حکم به ظاهر و حکم به باطن)، به فعلیت رسیدن بعضی احکام بعد از ظهور و بودن حکم به واقع و عمل طبق آن، به عنوان حکم اولی اسلام از پاسخ‌هایی است که در این تحقیق به اشکال تفاوت سیره داده شده است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغة، محقق: ابراهیم محمد ابوالفضل، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی.

۲. ابن سعد، كاتب الواقدي (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية.

۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۸ق). الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، الشریف الرضی.

۴. ابن فارس قزوینی، ابوالحسن احمد (۱۴۲۲ق). معجم مقاییس اللغة، بيروت، دار احیاء التراث العربی.

۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۶۱۰ق). المزار الكبير، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بيروت، دار صادر.

۷. امینی، ابراهیم (۱۳۸۰). ددگستر جهان، قم، شفق.

۸. آشتیانی، میرزا محمد حسن (۱۴۲۵ق). کتاب القضاء (ط - الحدیثه)، محقق: علی اکبر زمانی نژاد، قم، انتشارات زهیر - کنگره علامه آشتیانی.

۹. آیتی، نصرت الله (زمستان ۱۳۸۶). «امام مهدی احیاگر شریعت (۱)»، مشرق موعود، شماره ۴.

۱۰. برقی، أحمد (۱۴۱۳ق). المحاسن، قم، المجمع العالمی لاهل البيت.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱۲. _____ (۱۴۲۵ق). إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، اعلمی.

۱۳. حسینیان قمی، مهدی (بهار ۱۳۸۴). «دفاع از روایات مهدویت (داوری داوودی ۲)»، انتظار موعود، شماره ۱۵.

۱۴. جزایری، نعمت الله (۱۴۲۷ق). ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، بيروت، مؤسسة التاريخ العربی.

۱۵. جعفری، جواد و براری، محمد (پاییز ۱۳۹۶). «اعتبارسنجی روایات ناظر به تفاوت سیره مهدوی با سیره نبوی و علوی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۸.

۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، مصحح: احمد



عبد الغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين.

۱۷. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). **قرب الاسناد**، قم، نشر مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۸. خسروپناه، عبدالحسين و زارعی، محمد (بهار ۱۳۹۵). **«تحليل انتقادی بر ضعف سندی احادیث مربوط به داوری امام مهدی عليه السلام بر اساس باطن موضوع»**، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۲.
۱۹. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹). **لمحات الاصول (تقریرات درس آیت الله بروجردی)**، محقق: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی.
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). **مصباح الاصول (تقریر بحث آية الله العظمى السيد أبو القاسم الخوئی)**، مقرر: سید محمد سرور واعظ حسینی بهسودی، قم، مكتبة الداوری.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **المفردات فی غریب القرآن**، محقق: صفوان عدنان داوودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیة.
۲۲. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۷ق). **الدعوات**، قم، مدرسه امام مهدی.
۲۳. الزرعی دمشقی الحنبلی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أبی بکر (مشهور به ابن القيم الجوزیة) (۱۳۹۳ق). **إعلام الموقعین عن رب العالمین**، محقق: طه عبدالرئوف سعد، بیروت، دارالجيل.
۲۴. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۳ق). **الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل**، قم، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
۲۵. سید رضی (۱۴۱۴ق). **نهج البلاغة**، محقق: محمد عبده، قم، نشر هجرت.
۲۶. صدر، صدرالدین (۱۴۲۸ق). **المهدی عليه السلام روحه القویة**، قم، بوستان کتاب.
۲۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). **من لا یحضره الفقیة**، قم، نشر اسلامی.
۲۸. _____ (۱۳۸۵ق). **علل الشرائع**، قم، کتاب فروشی داوری.
۲۹. _____ (۱۳۷۸ق). **عیون اخبار الرضا**، محقق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۳۰. _____ (۱۳۹۵). **کمال الدین و تمام النعمة**، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۳۱. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**، مصحح: کوچه باغی، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی.

۳۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). *سنن النبی*، مترجم و محقق: محمدهادی فقهی، قم، بوستان کتاب.

۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.

۳۴. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، محقق: سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

۳۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۶. عراقی، آقا ضیاء (۱۴۰۵ق). *نهایة الأفكار*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة.

۳۷. غوری عبدالماجد (۱۴۲۸ق). *موسوعة علوم الحدیث و فنونه*، بیروت، دار ابن کثیر.

۳۸. فیض کاشانی، محمدحسن (۱۳۷۱). *نوادیر الأخبار*، مصحح: مهدی انصاری قمی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۳۹. قبانچی، صدرالدین (۱۴۲۷ق). *الحركة الإصلاحية من الحسين عليه السلام إلى المهدي عليه السلام*، نجف اشرف، مرکز الدراسات التخصصية فی الإمام المهدي عليه السلام.

۴۰. قزوینی، محمدکاظم (۱۴۲۷ق). *الإمام المهدي عليه السلام من المهدى الى الظهور*، قم، دار الانصار.

۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامیة)*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمدآخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

۴۲. کورانی، علی (۱۴۳۰ق). *المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي عليه السلام*، بیروت، دار المرتضی.

۴۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق). *شرح الکافی - الأصول و الروضة*، مصحح: ابوالحسن، شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامیة.

۴۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليه السلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۴۵. _____ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، مصحح: سید

هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

۴۶. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق). *روضة المتقين*، محقق: سیدحسین موسوی کرمانی و علی پناه



- اشتهاردی و سید فضل الله طباطبایی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیپور.
۴۷. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). **قواعد فقه**، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۸. محمودی، علی اکبر (۱۳۷۳). **ادله اثبات دعوی**، قم، مجمع فکر الاسلامی.
۴۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). **الإرشاد**، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). **سیری در سیره نبوی**، تهران، صدرا.
۵۱. مظفر، محمد رضا (بی تا). **أصول الفقه**، قم، اسماعیلیان.
۵۲. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا). **البدء والتاریخ**، مصر-قاهره، مكتبة الثقافة الدينية.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). **حکومت جهانی مهدی** عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، نسل جوان.
۵۴. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴). **موعود ادیان (پاسخ به شبهاتی پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)**، تهران، مؤسسه فرهنگی خردآوا.
۵۵. موسوی روضاتی، احمد (۱۴۳۲ق). **اجماعاء فقهاء الإمامية**، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۵۶. مهدی پور، علی اکبر (زمستان ۱۳۸۳). «**بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالمتاب**»، انتظار موعود، شماره ۱۴.
۵۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۵۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). **الغیبه**، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۵۹. واسطی زبیدی حنفی، محب الدین سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**، مصحح: علی شیری، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.